فصلنامه علمي اقتصاد و بانکداري اسلامي، شماره پنجاه و ششم، پاییز ۱۴۰۵- صفحات ۳۳۹-۳۱۳

تدوین و اعتبارسنجی مدل تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها با رویکرد فراترکیب و معادلات ساختاری

نوع مقاله: پژوهشی

محمدرضا بناء[۱]
امید پورحیدری[۲]
احمد خدامی‌پور[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۹

چکیده

سوءرفتار مالی در بانک‌ها از جمله مسائل مهمی است که می‌تواند اعتماد عمومی به نظام بانکی، سلامت واسطه‌گری مالی و ثبات بازارهای پولی و مالی را تحت تأثیر قرار دهد. با وجود اهمیت این پدیده، در ادبیات پژوهش چارچوبی منسجم و اعتبارسنجی‌شده برای تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ازاین‌رو، هدف پژوهش حاضر تدوین و اعتبارسنجی مدل تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها با استفاده از رویکرد فراترکیب و معادلات ساختاری است. این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از نظر روش، آمیخته (کیفی–کمی) است. در بخش کیفی، به‌منظور شناسایی شاخص‌های مؤثر بر سوءرفتار مالی بانک‌ها، از رویکرد فراترکیب استفاده شد و بر اساس بررسی نظام‌مند مطالعات پیشین، ۲۷ شاخص استخراج گردید. سپس به‌منظور غربال‌گری و دستیابی به اجماع خبرگان، با بهره‌گیری از مصاحبه با ۳۲ نفر از صاحب‌نظران و اجرای روش دلفی فازی، ۲۱ شاخص مورد تأیید قرار گرفت. در بخش کمی، شاخص‌های نهایی در قالب پرسشنامه تنظیم و ۲۰۱ پرسشنامه جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که از میان ۲۱ شاخص بررسی‌شده، ۱۵ شاخص شامل اندازه بانک، اهرم مالی، کفایت سرمایه، نسبت ارزش بازاری به دفتری، وام‌های غیرجاری، رشد دارایی‌ها، مالکیت نهادی، استقلال اعضای هیئت‌مدیره، جنسیت اعضای هیئت‌مدیره، تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره، اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، تخصص حسابرس، خوش‌بینی مدیرعامل و کوته‌بینی مدیرعامل، به‌عنوان شاخص‌های نهایی مدل تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها شناسایی و تأیید شدند. بر این اساس، مدل ارائه‌شده می‌تواند مبنایی برای شناسایی، ارزیابی و پایش سوءرفتار مالی در بانک‌ها و نیز ابزاری کاربردی برای نهادهای ناظر، سرمایه‌گذاران و مدیران بانکی فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: سلامت مالی، عوامل رفتاری، سوء رفتارهای مالی و بانک
طبقه‌بندی JEL: E58، G21، M41

۱ دکتری حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
mohamadrezabana@gmail.com
۲ استاد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)
opourheidari@uk.ac.ir
۳ استاد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
khodamipour@uk.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

مقدمه

سوءرفتار مالی در بانک‌ها از مهم‌ترین چالش‌های نظام مالی معاصر به شمار می‌آید و می‌تواند آثار گسترده‌ای بر اعتماد عمومی، ثبات نهادی، کارایی تخصیص منابع و سلامت بازارهای مالی بر جای گذارد. در سال‌های اخیر، افزایش رسوایی‌ها و تخلفات مالی در نهادهای مالی، توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران را بیش از پیش به ضرورت شناسایی و کنترل این پدیده جلب کرده است؛ زیرا سوءرفتار مالی نه‌تنها هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم سنگینی بر بانک‌ها و ذی‌نفعان تحمیل می‌کند، بلکه به تضعیف شفافیت، تشدید عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش ریسک سیستمی نیز منجر می‌شود (قوش[1]، ۲۰۲۰؛ آرنابولدیا[2] و همکاران، ۲۰۲۱؛ دآوینو و تسلیکا[3]، ۲۰۲۴). بانک‌ها به دلیل نقش محوری خود در تجهیز و تخصیص منابع مالی، بیش از سایر بنگاه‌ها در معرض پیامدهای سوءرفتار مالی قرار دارند و هرگونه انحراف رفتاری در این نهادها می‌تواند آثار زنجیره‌ای بر کل اقتصاد ایجاد کند. در این میان، ماهیت پیچیده عملیات بانکی، گستردگی تعامل با ذی‌نفعان و سطح بالای اتکای نظام مالی به سلامت تصمیم‌گیری مدیران، اهمیت موضوع را دوچندان می‌سازد. از این‌رو، رفتار مالی سالم در بانک‌ها نه‌تنها به معنای رعایت قوانین و مقررات است، بلکه شامل پایبندی به اصول شفافیت، پاسخگویی و اجتناب از تعارض منافع نیز می‌شود (کسیم[4]، ۲۰۱۶ ؛ صفی خانی و همکاران، ۱۴۰۲). در ادبیات پژوهش، سوءرفتار مالی مفهومی چندبعدی است که طیفی از رفتارهای ناهنجار مانند دستکاری گزارشگری مالی، رشوه، کلاهبرداری، پولشویی، اعطای تسهیلات غیرقانونی، نقض حریم خصوصی، تبعیض، و رفتارهای متعارض با منافع ذی‌نفعان را دربرمی‌گیرد. این رفتارها را می‌توان در دو سطح کلی «سوءرفتارهای حسابداری و گزارشگری» و «سوءرفتارهای بازار» طبقه‌بندی کرد. با این حال، آنچه در بسیاری از پژوهش‌ها مشاهده می‌شود، تمرکز بر بیان مصادیق یا بررسی چند عامل پراکنده است، در حالی که برای مواجهه مؤثر با این پدیده، نیاز به مدلی جامع، منسجم و معتبر برای تعیین و تبیین ابعاد آن وجود دارد (بیابانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ فاوگر و استول[5]، ۲۰۲۱).

از منظر نظری، بروز سوءرفتار مالی در بانک‌ها را می‌توان در پیوند میان فشارهای مالی، فرصت‌های ناشی از ضعف کنترل، و ویژگی‌های رفتاری تصمیم‌گیرندگان تحلیل کرد. به بیان دیگر، برخی متغیرهای ساختاری و عملکردی بانک، برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی، و برخی ویژگی‌های رفتاری مدیران و سازوکارهای نظارتی می‌توانند در شکل‌گیری یا مهار این پدیده نقش داشته باشند. برای مثال، اندازه بانک، اهرم مالی، کفایت سرمایه، رشد دارایی‌ها و نسبت‌های عملکردی می‌توانند نشانه‌هایی از فشار یا آسیب‌پذیری مالی باشند؛ در حالی که استقلال هیئت‌مدیره، تخصص مالی اعضا، ویژگی‌های حسابرس و دوره تصدی وی، ظرفیت کنترل و کشف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین، ویژگی‌هایی مانند خوش‌بینی یا کوته‌بینی مدیرعامل نیز می‌توانند بر کیفیت تصمیم‌گیری و گرایش به رفتارهای پرریسک یا فرصت‌طلبانه اثرگذار

1 Ghosh
2 Arnaboldi
3 D'Avino and Tselika
4 Kassem
5 Faugère and STUL

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

باشند (بادآور نهندی و همکاران، ۱۴۰۲؛ بزرگ اصل و همکاران، ۱۴۰۰؛ تورنتون[1] و همکاران، ۲۰۲۵؛ کارتا[2] و همکاران، ۲۰۲۴). با وجود اهمیت موضوع، مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اغلب مطالعات یا بر بخشی از عوامل اثرگذار تمرکز داشته‌اند یا به‌صورت پراکنده به یکی از ابعاد حاکمیت شرکتی، حسابرسی یا ویژگی‌های مدیران پرداخته‌اند. این در حالی است که سوءرفتار مالی پدیده‌ای تک‌عاملی نیست و برای شناخت دقیق آن، باید مجموعه‌ای از شاخص‌های مالی، حاکمیتی، رفتاری و نظارتی به‌صورت یکپارچه بررسی شوند. بنابراین، خلأ اصلی در ادبیات موجود، فقدان یک مدل بومی و اعتبارسنجی‌شده برای تعیین سوءرفتار مالی بانک‌هاست که بتواند هم‌زمان ابعاد مختلف این پدیده را پوشش دهد و مبنای تصمیم‌سازی برای مدیران و ناظران باشد (صفی خانی و همکاران، ۱۴۰۲؛ بادآور نهندی و همکاران، ۱۴۰۲). از منظر مالی رفتاری، نوآوری این پژوهش در آن است که سوءرفتار مالی در بانک‌ها صرفاً به‌عنوان پیامد ضعف‌های ساختاری، نظارتی یا مالی تبیین نمی‌شود، بلکه ریشه‌های رفتاری و شناختی آن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در بسیاری از مطالعات پیشین، تحلیل سوءرفتار مالی عمدتاً بر سازوکارهای حاکمیت شرکتی، کنترل‌های رسمی و شاخص‌های عملکردی متمرکز بوده است؛ حال آنکه تصمیم‌های مالی و مدیریتی در عمل، تحت تأثیر سوگیری‌های رفتاری، ادراک‌های ذهنی و ویژگی‌های شخصیتی مدیران نیز شکل می‌گیرد. بر این اساس، وارد کردن متغیرهایی مانند خوش‌بینی و کوته‌بینی مدیرعامل در کنار شاخص‌های مالی، حاکمیتی و حسابرسی، این امکان را فراهم می‌سازد که مدل پژوهش، سوءرفتار مالی را نه فقط به‌عنوان یک انحراف سازمانی، بلکه به‌عنوان برآیند تعامل میان فشارهای مالی، فرصت‌های نهادی و سوگیری‌های رفتاری تحلیل کند. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با پیوند دادن ادبیات سوءرفتار مالی به منطق مالی رفتاری، تصویری جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تر از زمینه‌های شکل‌گیری سوءرفتار در بانک‌ها ارائه دهد (بادآور نهندی و همکاران، ۱۴۰۲؛ بزرگ اصل و همکاران، ۱۴۰۰؛ کارتا و همکاران، ۲۰۲۴؛ تورنتون و همکاران، ۲۰۲۵).

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تدوین و اعتبارسنجی مدل تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها، از رویکرد فراترکیب برای استخراج و تلفیق یافته‌های پژوهش‌های پیشین و از معادلات ساختاری برای اعتبارسنجی روابط میان ابعاد و شاخص‌های مدل استفاده می‌کند. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند ضمن غنی‌سازی ادبیات نظری، چارچوبی کاربردی برای شناسایی و پایش سوءرفتار مالی در بانک‌ها فراهم آورد و به ارتقای اثربخشی سیاست‌های نظارتی و کنترلی کمک کند (دآوینو و تسلیکا، ۲۰۲۴؛ کارتا و همکاران، ۲۰۲۴). نادیده گرفتن سوء رفتارهای مالی در بخش بانکی می‌تواند پیامدهای شدید و گسترده‌ای برای اقتصاد داشته باشد، ازاین‌رو، بررسی این پدیده در هر موسسه و یا نهاد مالی ضروری است، بنابراین با شناسایی مصادیق سوء رفتار مالی در نظام بانکی، شناخت علمی عوامل مؤثر و بسترهای ایجاد آن در نظام بانکی و درنهایت ارائه راهکارها و ابزارهای مورداستفاده در پیشگیری از سوء رفتارهای بانکی بتوان گام مثبتی برای شناسایی آن نمود. در حوزه سوء رفتار مالی بانک تحقیق‌های بسیار اندکی انجام شده و هیچ یک از تحقیق‌ها به ارایه مدلی جامع برای تعیین سوء رفتار مالی بانک نپرداخته اند،

1 Thornton
2 Carretta

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

تحقیق‌های انجام شده معمولا اثر یک یا چند عامل محدود را بر سوء رفتار مالی مورد بررسی قرار داده اند، اما در این پژوهش تلاش شده که مدلی جامع جهت تعیین سوء رفتار مالی بانک ارایه گردد، بنابراین نخستین جنبه نوآورانه بودن تحقیق حاضر این است که در این تحقیق برای اولین بار مفهوم سوء رفتار مالی بانک در بانک‌های ایرانی به صورت دقیق و علمی مورد مطالعه قرار گرفته است و براساس مطالعات انجام شده و روش تحقیق ترکیبی انجام شده، مدلی بومی‌جهت سنجش سوء رفتار مالی در بانک‌های ایرانی ارایه شده است، در پژوهش حاضر ابتدا با استفاده از روش فراترکیب شاخص‌های مربوط به سوء رفتار مالی بانک استخراج شده، سپس شاخص‌هاي استخراج شده توسط خبرگان پژوهش غربال شده و در نهایت مدل پژوهش با استفاده از روش معادلات ساختاری ارایه گردیده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر یافتن مدل مناسب براي سوء رفتار مالی بانک و مشخص نمودن شاخص‌هاي این مدل می‌باشد.

۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بانک‌ها به دلیل جایگاه محوری خود در تجهیز و تخصیص منابع، بیش از بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی در معرض پیامدهای ناشی از انحرافات مالی قرار دارند؛ زیرا هرگونه اختلال در سلامت رفتاری و اطلاعاتی آن‌ها می‌تواند علاوه بر تحمیل زیان به سهامداران و سپرده‌گذاران، اعتماد عمومی به شبکه مالی را نیز تضعیف کند. در این چارچوب، سوءرفتار مالی در بانک صرفاً یک تخلف محدود اداری یا حسابداری نیست، بلکه مجموعه‌ای از رفتارهای انحرافی است که از عدول از الزامات قانونی، مقررات حرفه‌ای، اصول اخلاقی و استانداردهای رفتاری مورد انتظار ناشی می‌شود و معمولاً با هدف کسب منفعت نامشروع، پنهان‌سازی واقعیت‌های مالی، انتقال ریسک به دیگران یا فریب ذی‌نفعان بروز می‌یابد. این پدیده می‌تواند در سطوح مختلف سازمان و در تعامل میان مدیران، کارکنان، مشتریان و حتی بازیگران بیرون از بانک شکل گیرد و آثار آن تنها به یک سازمان محدود نماند، بلکه به سطح بازار و نظام مالی نیز سرایت کند (تورنتون و همکاران، ۲۰۲۵؛ دآوینو و تسلیکا، ۲۰۲۴). سوء رفتار مالی به هرگونه عمل یا اقدامی اطلاق می‌شود که توسط یک بانک یا کارکنان آن صورت می‌گیرد و از قوانین، مقررات، اخلاق حرفه‌ای یا استانداردهای رفتاری مورد انتظار منحرف می‌شود. هدف این سوء رفتار معمولاً کسب منافع نامشروع، پنهان‌کاری اطلاعات، یا فریب مشتریان، سهامداران یا نهادهای نظارتی است. این رفتارها می‌توانند منجر به آسیب‌های مالی جدی به افراد، سازمان‌ها و حتی کل نظام مالی شوند و اعتماد عمومی را خدشه‌دار کنند. سوء رفتارهای مالی در بانک‌ها شامل پذیرش رشوه، دزدی از شرکت، کلاه‌برداری و تقلب می‌باشد (تورنتون و همکاران، ۲۰۲۵). سوء رفتار مالی یکی از انواع سوءاستفاده‌های مالی بوده و به معنای اقدام ارادی یا از روی غفلت می‌باشد که هرگونه سرقت وجوه نقد، دریافت پاداش، افزایش قیمت سهام و یا هرگونه کسب منافع دیگری را مجاز می‌شمارد و معمولاً از طریق دستکاری در حساب‌ها، گزارشگری نادرست و تقلب انجام می‌پذیرد (فاوگر و استول، ۲۰۲۱). سوء رفتارهای مالی در بانک‌ها می‌توانند بسیار متنوع باشند، مهمترین مصادیق سوء رفتار مالی در بانک‌ها عبارت است از: کلاهبرداری و اختلاس، پولشویی، وام‌های غیرقانونی یا خارج از ضوابط، دستکاری بازار، نقض حریم خصوصی مشتریان، رفتارهای تبعیض‌آمیز، عدم شفافیت و پنهان‌کاری، تضاد منافع (دآوینو و تسلیکا، ۲۰۲۴).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

ادبیات این حوزه نشان می‌دهد که سوءرفتار مالی در بانک‌ها دامنه‌ای گسترده از مصادیق را دربر می‌گیرد؛ از رشوه، اختلاس، کلاهبرداری و تقلب گرفته تا پولشویی، اعطای تسهیلات خارج از ضوابط، دستکاری اطلاعات، نقض حریم خصوصی مشتریان، پنهان‌کاری، تبعیض و تعارض منافع. وجه مشترک همه این موارد آن است که در آن‌ها از ابزارهای مالی، اطلاعاتی یا اختیارات سازمانی به شیوه‌ای استفاده می‌شود که با منافع مشروع ذی‌نفعان و الزامات حکمرانی مطلوب ناسازگار است. از این منظر، سوءرفتار مالی را می‌توان یکی از جلوه‌های سوءاستفاده از قدرت تصمیم‌گیری و دسترسی اطلاعاتی دانست که گاه عامدانه و گاه در نتیجه ضعف کنترل، بی‌توجهی یا عادی‌سازی انحراف در سازمان رخ می‌دهد (فاوگر و استول، ۲۰۲۱؛ بیابانی و همکاران، ۱۳۹۹). به همین دلیل، این پدیده را نمی‌توان صرفاً با تکیه بر یک متغیر یا یک سطح تحلیل توضیح داد، بلکه باید آن را حاصل برهم‌کنش شرایط مالی، سازوکارهای کنترلی، کیفیت حاکمیت و ویژگی‌های رفتاری بازیگران اصلی دانست. بخش مهمی از پژوهش‌های پیشین، سوءرفتار مالی را در دو عرصه اصلی دنبال کرده‌اند: نخست، انحرافاتی که در بستر حسابداری و گزارشگری مالی رخ می‌دهد و به آن سوء رفتارهای حسابداری و گزارشگری (بازی با ارقام مالی) گفته می‌شود و دوم، سوء رفتارهایی که از طریق سازوکارهای بازار و مبادلات مالی بروز می‌یابد و به آن سوء رفتارهای بازار (تلاطم و دستکاری بازار) گفته می‌شود. در حوزه حسابداری و گزارشگری، مسئله اصلی آن است که اطلاعات مالی به جای انعکاس واقعیت اقتصادی، به ابزاری برای مدیریت برداشت ذی‌نفعان تبدیل شود. در چنین وضعیتی، مدیران ممکن است برای نشان دادن عملکرد مطلوب‌تر، پنهان کردن ضعف‌ها، یا کاهش حساسیت ناظران، به ثبت نادرست اقلام، دستکاری سود، تغییر برآوردها، یا شناسایی غیرواقعی دارایی‌ها و بدهی‌ها متوسل شوند. این نوع رفتار، اگرچه ممکن است در ظاهر در قالب رویه‌های فنی حسابداری پنهان شود، اما در ماهیت خود یک انحراف رفتاری و تصمیم‌گیری غیراخلاقی است؛ زیرا کارکرد گزارشگری مالی را از «نمایش صادقانه واقعیت» به «مدیریت برداشت» تغییر می‌دهد (هگده و ژو[1]، ۲۰۱۸؛ هوپ و وانگ[2]، ۲۰۱۸؛ کاسو[3] و همکاران، ۲۰۲۳). در مقابل، سوءرفتار مالی در سطح بازار زمانی شکل می‌گیرد که بانک یا عوامل وابسته به آن از نابرابری اطلاعاتی، تأخیر در افشا، افشای ناقص، یا دسترسی اختصاصی به اطلاعات برای کسب منفعت استفاده کنند. در این وضعیت، بازار به جای آنکه بستری برای کشف منصفانه قیمت و تخصیص کارآمد منابع باشد، تحت تأثیر رفتارهایی قرار می‌گیرد که قیمت‌ها، تصمیم سرمایه‌گذاران و انتظارات عمومی را به‌صورت مصنوعی منحرف می‌کند. استفاده از اطلاعات نهانی، دستکاری قیمت، ارائه اطلاعات گمراه‌کننده و ایجاد بازده‌های غیرعادی برای گروهی خاص، از جمله نمودهای این سطح از سوءرفتار است که می‌تواند اعتماد به سازوکار بازار را فرسایش دهد و هزینه‌های نظارتی و اعتباری قابل توجهی ایجاد کند (آلتونباسو[4] و همکاران، ۲۰۱۷؛ کارتا و همکاران، ۲۰۲۴).

در کنار این دو عرصه، مطالعات جدیدتر نشان می‌دهند که توضیح سوءرفتار مالی بدون توجه به بعد رفتاری، ناقص خواهد بود. تصمیم‌های مدیران در بانک‌ها صرفاً محصول محاسبات فنی و محدودیت‌های ساختاری نیست، بلکه از ادراک‌ها، سوگیری‌ها، انگیزه‌ها و افق ذهنی آنان نیز اثر می‌پذیرد. به همین دلیل، درک این پدیده مستلزم آن است که در کنار شاخص‌های مالی و

1 Hegde and Zhou
2 Hope and Wang
3 Casu
4 Altunbas

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

سازوکارهای کنترلی، ویژگی‌های رفتاری مدیران و زمینه‌های شناختی تصمیم‌گیری نیز مدنظر قرار گیرد. وقتی خوش‌بینی بیش از حد، کوته‌بینی، خوداتکایی افراطی، یا ترجیح منافع کوتاه‌مدت بر پایداری بلندمدت در لایه مدیریتی تقویت شود، احتمال آنکه تصمیم‌های مالی به سمت پنهان‌سازی، مخاطره‌پذیری نامتعارف یا عبور از مرزهای اخلاقی سوق پیدا کند افزایش می‌یابد. از این منظر، سوءرفتار مالی را باید برآیند تعامل فشارهای مالی، فرصت‌های سازمانی و سوگیری‌های رفتاری دانست، نه صرفاً محصول ضعف مقررات یا ناکارآمدی نظارت. بر این اساس، خلأ اصلی در پیشینه موجود آن است که اگرچه هر یک از مطالعات بخشی از مسئله را توضیح داده‌اند، اما کمتر پژوهشی کوشیده است مجموعه این ابعاد را در قالب یک الگوی منسجم، بومی و قابل اعتبارسنجی برای بانک‌ها گردآوری کند. بنابراین، پرداختن به تدوین مدلی که بتواند نشانه‌های سوءرفتار مالی را در حوزه‌های مالی، گزارشگری، بازار، حاکمیت و ویژگی‌های رفتاری مدیران به‌صورت همزمان شناسایی و اعتبارسنجی کند، می‌تواند هم از حیث نظری به انسجام ادبیات کمک کند و هم از منظر کاربردی، مبنایی برای پایش، هشداردهی و تصمیم‌گیری نظارتی در نظام بانکی فراهم آورد. بانک‌ها، به دلیل ماهیت حساس فعالیت‌هایشان، در معرض آسیب‌های جدی این پدیده قرار دارند. هرگونه اقدام از سوی کارکنان که از استانداردهای اخلاقی، قوانین یا مقررات بانکی منحرف شود، نه تنها می‌تواند منجر به ضررهای مالی هنگفت شود، بلکه از آن مهم‌تر، اعتماد عمومی را که ستون اصلی فعالیت‌های بانکی است، به شدت خدشه‌دار می‌کند. از پولشویی و اعطای وام‌های غیرقانونی گرفته تا دستکاری بازار و نقض حریم خصوصی مشتریان، تمامی این‌ها زنگ خطری جدی برای سلامت نظام مالی هستند (تورنتون و همکاران، ۲۰۲۵). مقابله با سوء رفتارهای مالی نیازمند سیستمی قوی از نظارت، شفافیت و فرهنگ اخلاقی مستحکم در تمامی سطوح سازمان است. تنها با تعهد به این اصول است که می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم دهلیزهای مالی، به جای تبدیل شدن به محلی برای کج‌رفتاری‌ها، مسیرهایی روشن برای رشد و اعتماد باقی بمانند (دآوینو و تسلیکا، ۲۰۲۴).

تورنتون و همکاران (۲۰۲۵) به پژوهشی با عنوان سوء رفتار مالی و ریسک‌پذیری بانک: شواهدی از بانک‌های ایالات متحده آمریکا پرداختند. دوره زمانی تحقیق آنها در فاصله بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۲۳ در بانک‌های ایالات متحده آمریکا بود و در این فاصله تعداد ۳۶۰ نمونه (بانک-دوره) را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که اقدامات اجرایی مرتبط با سوء رفتار، با افزایش ریسک‌پذیری بانک مرتبط هستند. همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تأثیر این اقدامات اجرایی بر ریسک‌پذیری در حضور مدیران عامل قدرتمند و نسبت بالاتر مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، تشدید می‌شود؛ و هنگامی که هیئت مدیره‌های اجرایی بزرگ‌تر، مسن‌تر، مستقل‌تر، دارای تنوع جنسیتی بیشتر، و فعال‌تر باشند و نیز زمانی که مدیران مستقل نسبتاً بی‌تجربه هستند، این تأثیر کاهش می‌یابد.

دآوینو و تسلیکا (۲۰۲۴) به پژوهشی با عنوان آشکارسازی محرک‌های سوء رفتار بانک‌ها: تحریم‌ها، سیگنال‌ها و گستره رفتار غیر اخلاقی پرداختند. دوره زمانی تحقیق آنها در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ در بانک‌های ایالات متحده آمریکا بود و در این فاصله تعداد ۱۳۳۰ نمونه (بانک-دوره) را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق چندین معیار برای سوء رفتار پیشنهاد شده که امکان شناسایی وقوع، تعداد و انواع تخلفات را در همان سالی که رخ می‌دهند (به جای سالی که جریمه پرداخت می‌شود) فراهم می‌آورد. با تمرکز بر صنعت بانکداری ایالت متحده، یافته‌ها پیامدهای مهم سیاستی دارند. نتایج نشان داد که تنبیه‌ها (مجازات‌ها) یک اثر بازدارنده بر سوء رفتار دارند. همچنین مشخص شد که تنبیه‌های بزرگ اعمال شده بر بانک‌های بزرگ، منجر به بهبود رفتار در کل صنعت بانکداری می‌شود. رفتار بانک‌های بزرگ‌تر به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

عنوان یک سیگنال اطلاعاتی برای سایر بانک‌ها عمل می‌کند و بر احتمال و شدت سوء رفتار آنها تأثیر می‌گذارد.

کارتا و همکاران (۲۰۲۴) به پژوهشی با عنوان خطاها و سوءرفتارها در بانکداری و مالی: یک بررسی نظام‌مند ادبیات و چارچوبی یکپارچه پرداختند. این مقاله با هدف نظام‌مند کردن یافته‌های موجود و توسعه یک چارچوب یکپارچه نگاشته شده است. ما یک بررسی نظام‌مند ادبیات را برای شناسایی آثار مرتبط با این موضوع (۵۷ مورد) انجام شده تا چارچوبی یکپارچه ایجاد گردد که پیشایندهای و پیامدهای بالقوه خطاها و سوءرفتارها را تبیین کرده و همچنین مسیرهایی را برای تحقیقات آینده مشخص کند. تحقیقات در زمینه خطاها و سوءرفتارها در بافتار بانکداری و مالی را می‌توان به چندین شاخه تقسیم کرد: رفتارهای فردی و/یا سازمانی، معاملات درون گروهی، نظارت توسط مقامات، تأثیر فرهنگ ملی، پیامدها برای اعتبار بانک‌ها، و اهمیت دیجیتالی‌سازی. یافته‌های ما بر لزوم گسترش روش‌شناسی‌های پژوهشی، توسعه تحقیقات در مورد رویه‌های مدیریتی و مکانیزم‌های کنترلی، بررسی اثرات تعاملی بین پیشایندها، و تعمیق درک ما از نقش عوامل محیطی تأکید دارند.

آرنابولدیا و همکاران (۲۰۲۱) به پژوهشی با عنوان تأثیر جنسیت هیات مدیر بر سوء رفتارهای بانکی پرداختند. نمونه پژوهش آن‌ها شامل ۲۸۰ بانک اروپایی در فاصله زمانی سال‌های۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ بود. نتایج نشان داد که وجود هیات مدیره زن به طور قابل توجهی میزان تخلف‌ها و جرائم مرتبط با آن را کاهش می‌دهد و موجب صرفه‌جویی ۷/۴۸ میلیون دلار در سال از بابت جرائم بانکی شده است. همچنین طبق تئوری توده زمانی که تعداد زنان افزایش یابد، اثربخشی آن‌ها بر سوء رفتارهای مالی نیز بیشتر می‌گردد.

فوگر و استول (۲۰۲۱) به پژوهشی با عنوان رویدادهای مضر و رفتارهای نادرست در سازمان‌های مالی: سوگیری‌های انسانی و علل ریشه‌ای آن پرداختند. آن‌ها یک پژوهش میدانی وسیع از ۱۹حادثه بزرگ در ۱۹ موسسه بزرگ بیمه و بانکی اروپایی بر اساس ۱۱۶ مصاحبه انجام شده از مدیران و مدیران ارشد این مؤسسات در یک دوره دو ساله بعد از وقوع رخداد پرداختند و از تحلیل علل ریشه‌ای برای تشخیص سوگیری‌های انسانی مستند شده توسط منابع مالی رفتاری، رفتار سازمانی و ادبیات روانشناسی شغلی استفاده نمودند. این سوگیری‌ها عوامل ریسک عملیاتی کلیدی این سازمان‌ها را تشکیل می‌دهند. نتایج نشان داد که سوگیری‌های به‌عنوان دلایل اصلی حوادث در این سازمان‌ها در کانون توجه قرار می‌گیرد. همچنین بانک‌ها بیشتر در معرض سوگیری‌های عاطفی (ترس و طمع) هستند و شرکت‌های بیمه بیشتر در معرض محافظه‌کاری شناختی به‌عنوان سوگیری‌های ریشه‌ای هستند. این پژوهش پیامدهای مستقیمی در رابطه با نحوه برخورد بانک‌ها و شرکت‌های بیمه با مقرراتی دارد که تأکید بیشتری بر اندازه‌گیری و کنترل ریسک عملیاتی و به‌ویژه ریسک سوء رفتار دارند.

قوش (۲۰۲۰) به پژوهشی با عنوان تخلفات مالی در بانک‌های هند: چه چیزی مهم است و چه چیزی مهم نیست؟ درحالی‌که چندین جنبه از سوء رفتار مالی مورد بررسی قرار گرفته است، یکی از جنبه‌هایی که تا حد زیادی توجه محققان را دور زده است، عوامل مؤثر بر چنین رفتار نادرست در بانک‌ها است. آن‌ها در سال‌های بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ تعداد ۴۲۳ بانک-دوره را مورد بررسی قرار دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های خاص بانک و هیات مدیره در ایجاد سوء رفتار مالی مهم هستند، اگرچه تأثیر این متغیرها با توجه به نوع مالکیت متفاوت است، به‌گونه‌ای که در بانک‌های دولتی اندازه و سرمایه بر سوء رفتارها تاثیرگذارند در حالیکه در بانک‌های خصوص نقدینگی عامل اصلی می‌باشد. علاوه بر این، ارتباط هیات مدیره با سوء رفتار بانک‌ها تنها در مورد بانک‌های خصوص معنادار است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

هگده و ژو (۲۰۱۸) به بررسی تاثیر خوش‌بینی سرمایه‌گذاران بر سوء رفتارهای حسابداری پرداختند. دوره زمانی پژوهش آن‌ها سال‌های بین ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که با افزایش خوش‌بینی سرمایه‌گذاران، میزان سوء رفتارهای حسابداری افزایش می‌یابد، البته این رابطه می‌تواند حالت غیرخطی داشته باشد، یعنی با افزایش خوش‌بینی سرمایه‌گذاران تا حد متوسط، میزان سوء رفتارهای حسابداری افزایش می‌یابد و زمانی که خوش‌بینی سرمایه‌گذاران بیش از حد متوسط باشد، میزان سوء رفتارها کاهش می‌یابد. همچنین نتایج نشان داد زمانیکه سرمایه‌گذاران پیش‌بینی اولیه‌ای از سوء رفتار حسابداری داشته باشند، نسبت به اعلام اخبار تجدید ارائه‌های صورت‌های مالی، واکنش منفی از خود نشان می‌دهند. البته شدت رابطه بین خوش‌بینی سرمایه‌گذاران و سوء رفتارهای حسابداری با توجه به عوامل اقتصاد کلان، خوش‌بینی سطح اقتصاد و سطح صنعت تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

پارک[1] (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر مدیریت سود پرداخت. بدین منظور از داده‌های شرکت‌های غیرمالی بازار اوراق بهادار کشور کره در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ استفاده نمود. نتایج پژوهش وی نشان داد که میزان اقلام تعهدی اختیاری منفی با احساسات سرمایه‌گذاری رابطه منفی دارد و شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاران خوش‌بین، از اقلام تعهدی اختیاری مثبت استفاده می‌کنند.

هوپ و وانگ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر فریب مدیران و پاکسازی های بزرگ بر عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. دوره زمانی پژوهش آن‌ها سال‌های بین ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ بود. نتایج نشان داد که انجام پاکسازی های عمده توسط مدیران فریب کار باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد و انجام پاکسازی های عمده توسط مدیران با درجه فریب‌کاری کم، باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد.

آلتونباسو و همکاران (۲۰۱۷) به پژوهشی با عنوان دوره تصدی مدیر عامل و سوء رفتارهای شرکتی: شواهدی از بانک‌های ایالات متحده پرداختند. دوره زمانی پژوهش آن‌ها سال‌های ۱۹۹۸تا ۲۰۱۵ بود و تعداد ۲۴۸ بانک را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که بین دوره تصدی مدیرعامل و سوء رفتار بانک‌های ایالات متحده ارتباط معناداری وجود دارد. بانک‌ها زمانی که دوره تصدی مدیر عامل طولانی باشد، بانک‌ها ترازنامه نسبتاً ضعیفی دارند و احتمال ارتکاب تخلف بیشتر است. هیات مدیره شرکت‌های بزرگ و مستقل می‌توانند رفتارهای نادرست را کاهش دهند، اما نمی‌توانند به طور کامل از آن‌ها جلوگیری کنند.

نگوین[2] و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا هیئت مدیره بانک‌ها می‌توانند از تخلف جلوگیری کنند؟ دوره زمانی پژوهش آن‌ها بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳بود و تعداد مشاهدات آن‌ها شامل ۴۰۷۲ بانک-سال بود. نتایج نشان داد که نظارت بهتر توسط هیات مدیره بانک‌ها از همه دسته‌بندی‌های سوء رفتار جلوگیری می‌کند و با افزایش نظارت هیئت مدیره، احتمال کشف تخلف را افزایش می‌دهد.

حمیدی حامی و همکاران (۱۴۰۰) به پژوهشی با عنوان قدرت و بیش اطمینانی مدیران و گزارشگری متقلبانه پرداختند. نمونه مورد مطالعه ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

1 Park
2 Nguyen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

تهران برای دوره‌های زمانی ۱۳۹٤ تا ۱۳۹۸ می‌باشد که با استفاده از روش داده‌های تلفیقی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن بود که بین قدرت مدیران و گزارشگری متقلبانه رابطه معناداری وجود ندارد. با این حال بین بیش اطمینانی مدیران و گزارشگری متقلبانه رابطه معناداری مشاهده شد.

هاشمی بهرمان و پورزمان (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان تأثیر سبک‌های تصمیم‌گیری بر گزارشگری متقلبانه پرداختند. جامعه آماری این پژوهش، حسابرسان مستقل بوده و جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. برای اندازه‌گیری تمایل پاسخ‌دهندگان به مدیریت سود و همچنین برای اندازه‌گیری سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده گردید. پس از انجام آزمون‌های پایایی و روایی داده‌های نمونه، تحلیل‌های مربوط بر اساس رویکرد مدل یابی ساختاری صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد سبک‌های تصمیم‌گیری (وابستگی، عقلائی، آنی و اجتنابی) بر گزارشگری متقلبانه تأثیری معنی‌داری دارد.

علیخانی دهقی و همکاران (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان نقش مدیریت سود در شناسایی صورت‌های مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای سنجش توانایی الگوهای مدیریت سود در شناسایی صورت‌های مالی متقلبانه، داده‌های ۱۳۰۳ سال – شرکت (شامل ۲۱ شرکت متقلب و ۱٦۸ شرکت غیرمتقلب) طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹٤ انتخاب و تجزیه و تحلیل با استفاده از روش‌های داده‌کاوی شامل درخت تصمیم، شبکه‌های عصبی و روش بیزین انجام شده است؛ بدین منظور ۷ معیار مشهور مدیریت سود استفاده‌شده در پژوهش‌های قبلی بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از بین الگوهای پژوهش، الگوی درخت تصمیم و از بین الگوهای اقلام تعهدی، الگوی اقلام تعهدی تعدیل‌شدهٔ جونز (۱۹۹۱) با نسبت ارزش دفتری، بیشترین ارتباط را با صورت‌های مالی متقلبانه دارد.

رئیسی نافچی و دستگیر (۱۳۹۸) به پژوهشی با عنوان ارائه الگوئی برای شناسایی عوامل خطر موثر بر وقوع تقلب در بانک‌ها (مطالعه موردی، بانک رسالت استان اصفهان) پرداختند. این پژوهش در سال ۱۳۹٦ انجام گرفت. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه به روش دلفی جمع‌آوری‌شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از تأثیر مثبت و معنادار عوامل خطر مرتبط باثبات مالی و کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم‌الاجرا بر وقوع تقلب در بانک‌های رسالت استان اصفهان است. بنابراین برای تشخیص وقوع تقلب، باید روی ثبات مالی و کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم‌الاجرا در بانک‌ها تمرکز کرده و برای بهبود آن‌ها گام برداشت.

خواجوی و ابراهیمی (۱۳۹۷) به پژوهشی با عنوان تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتي در تقلب در صورت‌های مالي شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. براي تحقق این هدف، شرکت‌های متقلب با استفاده از علائم خطر اشاره شده در استاندارد حسابرسي شماره ۲٤۰ با عنوان «مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه در صورت‌های مالي» و با به‌کارگیری تکنیک‌های داده‌کاوی غیر نظارتی مشخص شد. دوره زماني مدنظر براي هر یک از فرضیه‌های پژوهش، سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳ و نمونه انتخابي شامل ۱۸۲ شرکت است. نتایج حاصل از تخمین فرضیه‌های پژوهش نیز نشان می‌دهد صرف‌نظر از اهرم مالي، سودآوري، ترکیب دارایی‌ها، نقدینگي، کارایي، اندازه و رشد، بین ترکیب هیات مدیره، تمرکز مالکیت و مالکیت نهادي با تقلب در صورت‌های مالي، رابطه معناداري وجود دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

حجازی و مختاری نژاد (۱۳۹٦) به پژوهشی با عنوان رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. برای این منظور ۱۰۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ٥ ساله (۱۳۹۰-۱۳۹٤) مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین تخصص اعضاء هیات مدیره، اثربخشی کمیته حسابرسی و اثربخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی وجود دارد. یعنی ساختار حاکمیت شرکتی اثر بخش، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می‌دهد و اعتبار گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد بین اهرم مالی(نسبت بدهی) و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معنی‌داری وجود دارد. علاوه به این اندازه هیات مدیره و اندازه شرکت بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه تاثیر معنی‌داری ندارد.

وکیلی فرد و همکاران (۱۳۹٥) به پژوهشی با عنوان اثر کیفیت حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابرسی مشروط پرداختند و در دوره زمانی ۱۳۸٥ تا ۱۳۸۹ تعداد ٤۳ شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در شرکت‌های با اندازه بزرگ، دوره تصدی‌گری ٥ ساله حسابرس، به احتمال بیشتری اقلام تعهدی اختیاری را کاهش می‌دهد. از طرفی به احتمال زیاد شرکت‌هایی که از حسابرس متخصص استفاده می‌نمایند تمایل کمتری به دریافت گزارش مشروط دارند.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جز پژوهش‌های توسعه‌ای بوده و از پارادایم تفسیری استفاده شده است. در راستاي تحقق هدف پژوهش که یافتن مدل مناسب براي سوء رفتار مالی بانک می‌باشد، در این تحقیق از روش پژوهش آمیخته استفاده شده که در آن ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی‌استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا جهت استخراج شاخص‌های سوء رفتار مالی بانک از ادبیات پژوهش، روش کیفی فراترکیب مورد استفاده قرار گرفته است، در روش فراترکیب هدف پژوهش استخراج یک چارچوب کلی با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات انجام شده در موضوعی مشخص می‌باشد. در مرحله بعد مصاحبه‌هاي نیمه‌ساختار یافته با خبرگان منتخب انجام شده است، بکارگیري مصاحبه داراي مزایایی چون انعطاف پذیري و آزادي در کسب اطلاعات پیرامون موضوع می‌باشد، پس از جمع‌آوری نظرات خبرگان جهت غربالگري شاخص‌ها روش دلفی فازي استفاده شده است. در مرحله پایانی نیز در نهایت اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه، از طریق تحلیل عاملی تاییدی و معادلات ساختاري در نرم‌افزار پی ال اس نسخه ۴ مورد بررسی قرار گرفت. وجود متغیرهاي پنهان (مکنون)، حجم نمونه اندك، داده هاي غیرنرمال و قدرت پیش‌بینی مناسب از مهمترین دلایل استفاده از نرم‌افزار پی ال اس می‌باشد. مدل‌سازي معادلات ساختاري روشی مناسب براي بررسی و تشریح روابط میان متغیرهاي پنهانی است که توسط متغیرهاي آشکار سنجیده شده‌اند. این معادلات همه روابط میان سازه‌ها که در تحلیل وجود دارند، را ترسیم می‌کند. در نمودار شماره ۱ مراحل اجراي پژوهش ارائه گردیده است:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

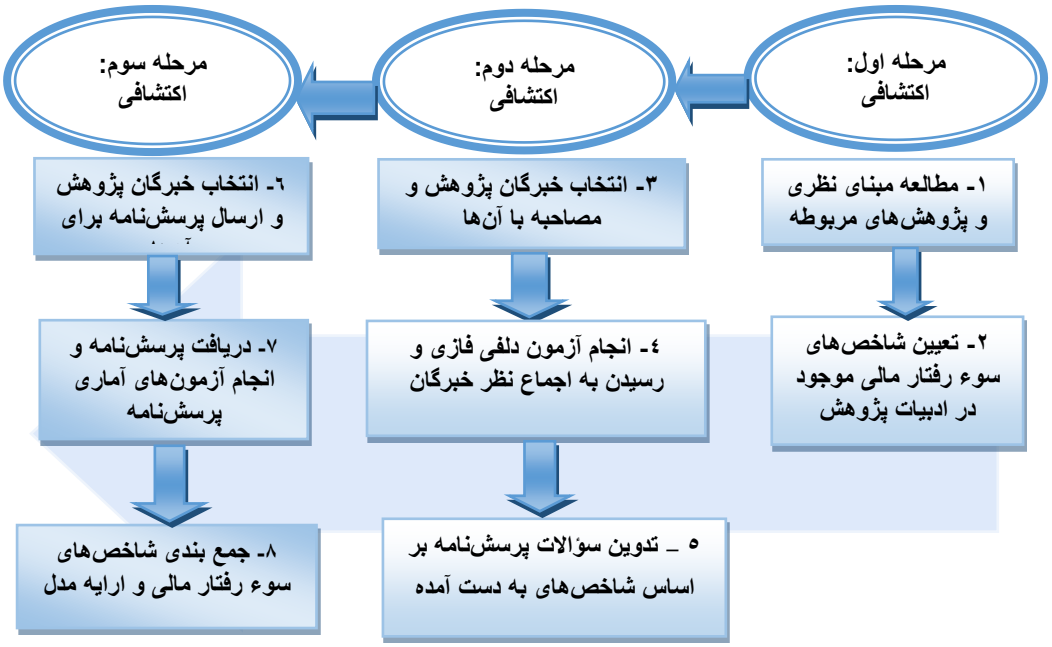

نمودار ۱: مراحل اجراي روش پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش

مرحله اول- روش فراترکیب

در این بخش بر اساس الگوی هفت مرحله‌ای ارائه شده توسط سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷) به شرح زیر انجام شده است:

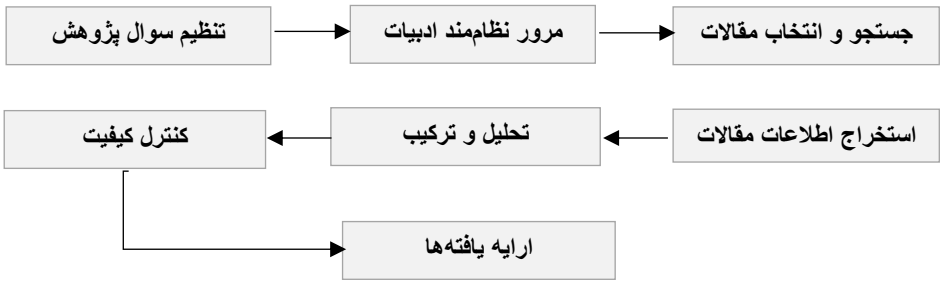

نمودار ۲: فرآیند هفت مرحله‌ای فراترکیب، سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

مرحله دوم- روش دلفی فازی

در مرحله دوم جهت اجراي روش دلفی فازي از طيف فازي مثلثی ليكرت ۷ درجه به شرح ذيل استفاده شده است:

جدول ۱: طيف اعداد فازی در خصوص سوالات با ۷ پاسخ و يا ليكرت ۷درجه

كاملا بااهميت	خيلی بااهميت	بااهميت	متوسط	بی اهميت	خيلی بی‌اهميت	كاملا بی‌اهميت
(۰/۹،۱،۱)	(۰/۷۵،۰/۹،۱)	(۰/۵،۰/۷۵،۰/۹)	(۰/۳،۰/۵،۰/۷۵)	(۰/۱،۰/۳،۰/۵)	(۰،۰/۱،۰/۳)	(۰،۰،۰/۱)

همچنين جهت تجميع ديدگاه خبرگان از روش ميانگين استفاده شده است:

$$F_{ave} = (L, M, U)$$

$$x_m^1 = \frac{L+M+U}{3};\ x_m^2 = \frac{L+2M+U}{4};\ x_m^3 = \frac{L+4M+U}{6}$$

$$\text{Crisp number} = \text{Z}^* = \max\left(x_{max}^1, x_{max}^2, x_{max}^3\right)$$

در فرمول فوق، عدد قطعی برابر بزرگترين مقدار x_{max}^i می‌باشد (بوجادزيف و بوجادزيف، ۲۰۰۷).

مرحله سوم- روش معادلات ساختاری

پس از گردآوری نتايج حاصل از پرسشنامه، برای بررسی داده‌ها از مدل سازی معادلات ساختاری و تحليل عاملی تاييدی در نرم افزار نرم‌افزار پی ال اس استفاده می‌شود. در اين روش از معيارهاي پايايی، روايی همگرا و واگرا استفاده می‌شود.

۳- يافته هاي پژوهش

الف- نتايج حاصل از اجراي روش فراتركيب:

جهت جستجو و انتخاب مقالات، ابتدا می‌بايست ابعاد پژوهش حاضر (موضوع، جامعه مورد بررسی، زمان، معيارهای پذيرش منابع و ...) به صورت واضح مشخص گردد. در جدول ذيل ابعاد انجام پژوهش ارائه گرديده است:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

جدول ۲: معیارهای پذیرش پژوهش‌ها و منابع

پارامترها	معیار پذیرش
موضوع پژوهش‌های مورد مطالعه	سوء رفتار مالی بانک‌ها
زمان انجام پژوهش‌ها	از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۲۴
نوع پژوهش‌های انجام شده	مقالات چاپ شده در مجلات و کنفرانس‌های بین المللی و کتب مرجع، دستورالعمل‌ها و آئین نامه‌های مربوط به بانک‌ها
روش‌های انجام شده در پژوهش‌ها	انواع روش‌های کیفی و روش‌های کمی‌در صورت ارائه نتایج مربوط به سوء رفتار مالی بانک‌ها
محدوده جغرافیایی پژوهش‌های انجام شده	تمامی‌کشورها
زبان انجام پژوهش‌ها	انگلیسی و فارسی

منبع: یافته‌های پژوهش

پایگاه‌های اطلاعاتی که قرار است در آن به جستجوی منابع پرداخته شود و همچنین کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش نیز به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۳: کلیدواژه‌های مورد استفاده جهت جستجوی منابع

کلید واژه مد نظر	معادل انگلیسی
سوء رفتار مالی	Financial misconduct
سوء رفتار مالی بانک‌ها	Financial misconduct of banks
سوء رفتار حسابداری	Accounting misconduct
سوء رفتار گزارشگری	Reporting misconduct
سوء رفتار بازار	Market misconduct

منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله اول تعداد ۲۲۵ منبع (شامل مقالات و دستورالعمل‌های منتشر شده با کلید واژه‌های مندرج در جدول ۵) یافت گردید که پس از اعمال معیارهای مختلف در نهایت تعداد ۷۳ منبع به شرح زیر جهت اجرای روش فرا ترکیب مورد استفاده قرار گرفت. در نگاره ذیل مراحل غربالگری منابع ارائه شده است:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

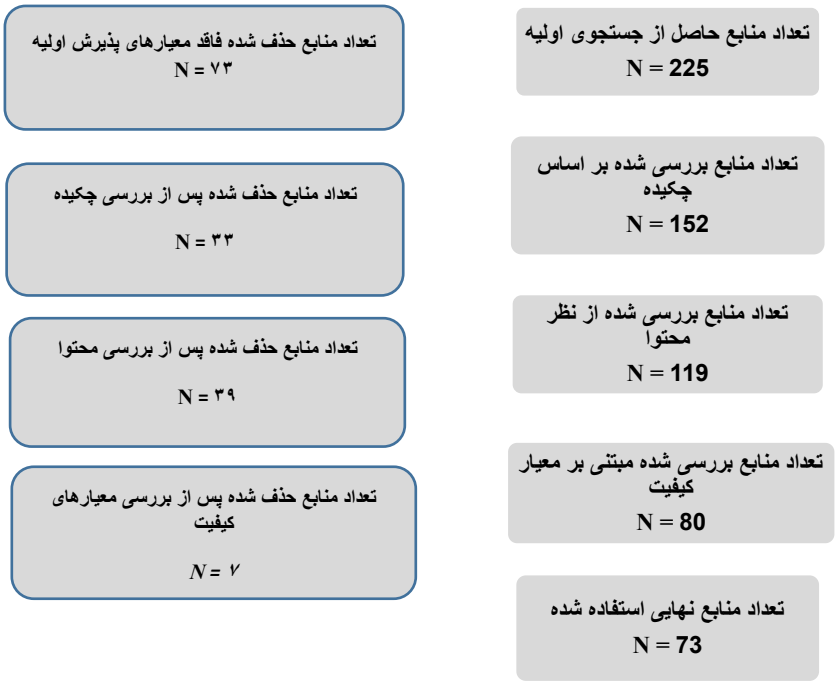

نمودار ۳: خلاصه‌ای از نتایج جستجو و انتخاب متون مناسب

در مرحله بعدی از روش فراترکیب با استفاده از کدگذاری محوری، شاخص‌های سوء رفتار مالی بانک‌ها مشخص گردید. در این مرحله تعداد ۳٦ شاخص از منابع فوق استخراج و پس از بررسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها، مواردی که با یکدیگر مشابه بوده ادغام و در نهایت تعداد ۲۷ شاخص منحصر به فرد استخراج گردید که میزان تکرار این شاخص‌ها در منابع تحقیقاتی در جدول شماره ٦ در ستون فراوانی منعکس شده است:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

جدول ۴: شاخص‌های مرتبط با سوء رفتار مالی بانک‌ها استخراج شده در جستجوی منابع

شماره	شاخص ها	تکرار شاخص ها در منابع
۱	اندازه بانک	۲۲
۲	تعداد کارکنان	۲۳
۳	اهرم مالی	۳۳
٤	کفایت سرمایه	٤٥
٥	تعداد شعب	۱۲
٦	سود (زیان) انباشته	۳۹
۷	نسبت ارزش بازاری به دفتری	۳۳
۸	سودآوری	۳۸
۹	وام های غیرجاری	۲۹
۱۰	رشد دارایی ها	۲۲
۱۱	نسبت دارایی‌های ثابت	۱۱
۱۲	قدمت بانک	۱۳
۱۳	مالکیت نهادی	۱۸
۱٤	مالکیت دولتی	۲۸
۱٥	استقلال اعضاء	۱۷
۱٦	دوره تصدی مدیر عامل	٤۲
۱۷	جنسیت اعضاء	۱٤
۱۸	سن هیئت مدیره	۱۹
۱۹	تخصص مالی اعضاء	۲۲
۲۰	اندازه موسسه حسابرسی	۲۷
۲۱	دوره تصدی حسابرس	۲۲
۲۲	قدمت موسسه حسابرسی	۸
۲۳	نوع موسسه حسابرسی	۱۱
۲٤	تخصص حسابرس	۲۸
۲٥	خوش بینی مدیر عامل	۳٥
۲٦	خودشیفتگی مدیر عامل	۲۷
۲۷	کوته بینی مدیر عامل	۳۲

منبع: یافته‌های پژوهش

در استخراج شاخص‌های سوء رفتار مالی بانک‌ها، با بررسی دقیق منابع سعی شده تا تمامی‌جنبه‌های سوء رفتار مالی بانک‌ها که در منابع پژوهش به آن اشاره شده، پوشش داده شود، جهت بررسی کیفیت کدگذاری محوری، از روش توافق بین دو کدگذار استفاده شده است (رات و همکاران، ۲۰۱۹). بدین ترتیب که روش انجام پژوهش و شاخص‌های استخراج شده توسط پژوهشگر در اختیار ۲ فرد متخصص در زمینه مباحث مالی بانک‌ها که از بین اعضای هیات علمی پژوهشکده بانکداری انتخاب شده‌اند، قرار گرفته و از طریق یک پرسشنامه که شامل ۹ سوال می‌باشد از افراد مذکور در خصوص درستی انجام روش پژوهش سوال شده است. نتایج پرسشنامه مذکور ضریب توافق کاپا برابر با ۰/۷۱ می‌باشد، با توجه به این‌که ضریب کاپا بالاتر از ۰/٦ می‌باشد می‌توان استدلال نمود که سطح توافق ۲ کدگذار معنادار و مورد پذیرش است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

در مرحله پایانی روش فراترکیب با استفاده از روش آنتروپی شانون و فراوانی هر شاخص بار اطلاعاتی و سطح اهمیت آن مشخص می‌گردد. در روش آنتروپی شانون جهت یافتن میزان پشتیبانی پژوهش‌های گذشته از یافته‌های پژوهش، میزان فراوانی هر یافته مشخص شده و با محاسبه بار اطلاعاتی هر یافته، سطح اهمیت آن مشخص می‌گردد. برای محاسبه بار اطلاعاتی عدم اطمینان و ضریب اهمیت از روابط ذیل استفاده می‌شود. در یک ماتریس تصمیم که m گزینه براساس n معیار ارزیابی شده است با استفاده از مفهوم انتروپی می‌توان به تعیین وزن معیارها پرداخت. نتایج حاصل از اجرای روش آنتروپی بر روی داده‌های پژوهش به شرح جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵: نتایج حاصل از اجرای روش آنتروپی

شاخص ها	فراوانی	بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت
اندازه بانک	۲۲	۱.۵۶	۴.۷٪
تعداد کارکنان	۲۳	۱.۰۲	۳.۰٪
اهرم مالی	۳۳	۰.۷۴	۲.۲٪
کفایت سرمایه	۴۵	۱.۰۱	۳.۰٪
تعداد شعب	۱۲	۰.۹۸	۳.۰٪
سود (زیان) انباشته	۳۹	۱.۵۶	۴.۷٪
نسبت ارزش بازاری به دفتری	۳۳	۱.۴۵	۴.۳٪
سودآوری	۳۸	۰.۴۷	۱.۳٪
مطالبات بانک	۲۹	۱.۰۳	۳.۱٪
رشد دارایی ها	۲۲	۰.۵۸	۱.۷٪
نسبت دارایی‌های ثابت	۱۱	۱.۴۳	۴.۳٪
قدمت بانک	۱۳	۰.۴۳	۱.۳٪
مالکیت نهادی	۱۸	۰.۵۰	۱.۸٪
مالکیت دولتی	۲۸	۰.۲۰	۰.۶٪
استقلال اعضاء	۱۷	۱.۳۰	۳.۹٪
دوره تصدی مدیر عامل	۴۲	۴.۹۲	۱۴.۷٪
جنسیت اعضاء	۱۴	۱.۵۳	۴.۶٪
سن هیئت مدیره	۱۹	۱.۲۸	۳.۸٪
تخصص مالی اعضاء	۲۲	۱.۰۴	۳.۱٪
اندازه موسسه حسابرسی	۲۷	۱.۳۰	۳.۹٪
دوره تصدی حسابرس	۲۲	۱.۵۴	۴.۶٪
قدمت موسسه حسابرسی	۸	۳.۰۴	۹.۱٪
نوع موسسه حسابرسی	۱۱	۲.۱۱	۶.۳٪
تخصص حسابرس	۲۸	۰.۶۳	۱.۹٪
خوش بینی مدیر عامل	۳۵	۰.۵۹	۱.۸٪
خودشیفتگی مدیر عامل	۲۷	۰.۶۶	۲.۰٪
کوته بینی مدیر عامل	۳۲	۰.۴۷	۱.۴٪
جمع	۶۷۰	-	۱

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

ب- نتايج حاصل از اجراي روش دلفی فازی:

جهت بررسی شاخص‌های استخراج شده در مرحله فراترکیب توسط خبرگان پژوهش، ابتدا با ۳۲ نفر از خبرگان پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام پذیرفت، معیار انتخاب خبرگان در این مرحله از پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

- اعضاء هیات علمی‌دانشگاه‌ها و پژوهشکده بانکداری
- مدیران عامل بانک‌ها با دانش و تحصیلات مالی
- مدیران حوزه معاونت نظارت بانک مرکزی
- صاحب نظران حرفه پولی و مالی شاغل در حوزه معاونت بانک بیمه وزارت اقتصاد

برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان از روش گلوله برفی استفاده شده و افراد مختلف از طریق ارتباط با سایر افراد انتخاب شده اند (حریری، ۱۳۸۵). در مصاحبه‌هاي انجام شده براساس دیدگاه خبرگان جهت تطبیق با شرایط فعلی محیط اقتصادي کشور، در خصوص ۲ شاخص اصلاح نگارشی و محتوایی به شرح زیر انجام گردید:

جدول ۶: شاخص های اصلاح شده بعد از مصاحبه با خبرگان

نام شاخص قبلی	نام شاخص جدید
سن بانک	قدمت بانک
کوته بینی مدیر عامل	دیدگاه کوتاه مدت مدیر عامل

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین یک شاخص جدید به شاخص‌ها اضافه و یک شاخص نیز به شرح زیر حذف گردید، شاخص اضافه شده عبارت است از شاخص وام های غیرجاری و شاخص حذف شده عبارت است از شاخص مطالبات بانک

بنابراین با اعمال این موارد برروی شاخص های استخراجی در بخش فراترکیب، در نهایت تعداد ۲۷ شاخص جهت اجرای بخش کمی‌وجود دارد. براي اجراي بخش کمی و اجماع نظر خبرگان از روش پژوهش دلفی استفاده شده است. از بین دو کاربرد روش دلفی فازی (غربال شاخص‌ها و پیش‌بینی)، از روش دلفی فازی برای غربال‌گری استفاده شده، با توجه به اینکه در غربال‌گری ابتدا به پشتوانه‌ی ادبیات پیشین، غربال ابتدایی انجام می‌شود و تحلیل جنبه‌ی تأییدی دارد، برخلاف کاربرد روش دلفی فازی در پیش‌بینی (که باید چندین راند ادامه پیدا کند که اجماع نظر خبرگان حاصل شود)، کاربرد این روش در غربال‌گری، در یک راند قابل انجام است (باباجانی و همکاران، ۱۳۹۷). در جدول شماره ۷ مقادیر میانگین فازي نظرات خبرگان پژوهش و مقادیر فازي زدایی شده ارائه شده است:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

جدول ۷: نتایج حاصل از اجرای روش دلفی فازی جهت غربالگری شاخص‌ها

شماره	شاخص ها	وضعیت	میانگین فازی	میانگین فازی زدایی شده
۱	اندازه بانک	تایید	(۱، ۰/۹۶ ، ۰/۷)	۰/۹۱
۲	تعداد کارکنان	تایید	(۱، ۰/۹۵ ، ۰/۳)	۰/۸۰
۳	اهرم مالی	تایید	(۱، ۰/۹۱ ، ۰/۳)	۰/۷۸
٤	کفایت سرمایه	تایید	(۱، ۰/۹۵ ، ۰/۷)	۰/۹۰
٥	تعداد شعب	رد	(۰/۷، ۰/۳۸ ، ۰)	۰/۳٦
٦	سود (زیان) انباشته	تایید	(۱، ۰/۹۵ ، ۰/۷)	۰/۹۰
۷	نسبت ارزش بازاری به دفتری	تایید	(۱، ۰/۸۷ ، ۰/۰)	۰/٦۹
۸	سودآوری	تایید	(۱، ۰/۸۹ ، ۰/۳)	۰/۷۷
۹	وام های غیرجاری	تایید	(۱، ۰/۸۳ ، ۰/۰)	۰/٦٦
۱۰	رشد دارایی ها	تایید	(۱، ۰/۸٤ ، ۰/۰)	۰/٦۷
۱۱	نسبت دارایی‌های ثابت	رد	(۰/۷، ۰/۲۱ ، ۰)	۰/۲۸
۱۲	قدمت بانک	رد	(۰/۷، ۰/۲۸ ، ۰)	۰/۳۱
۱۳	مالکیت نهادی	تایید	(۱، ۰/۹۲ ، ۰/۳)	۰/۷۹
۱٤	مالکیت دولتی	تایید	(۱، ۰/۸۷ ، ۰/۳)	۰/۷٦
۱٥	استقلال اعضاء	تایید	(۱، ۰/۹٦ ، ۰/۷)	۰/۹۱
۱٦	دوره تصدی مدیر عامل	تایید	(۱، ۰/۹۷ ، ۰/۷)	۰/۹۰
۱۷	جنسیت اعضاء	تایید	(۱، ۰/۹۱ ، ۰/۳)	۰/۷۸
۱۸	سن هیئت مدیره	رد	(۰/۷، ۰/۳٦ ، ۰)	۰/۳٥
۱۹	تخصص مالی اعضاء	تایید	(۱، ۰/۹٥ ، ۰/۳)	۰/۸۰
۲۰	اندازه موسسه حسابرسی	تایید	(۱، ۰/۹٦ ، ۰/۳)	۰/۸۱
۲۱	دوره تصدی حسابرس	تایید	(۱، ۰/۹٦ ، ۰/۷)	۰/۹۰
۲۲	قدمت موسسه حسابرسی	رد	(۰/۷، ۰/۳۲ ، ۰)	۰/۳۳
۲۳	نوع موسسه حسابرسی	رد	(۰/۷، ۰/۳٦ ، ۰)	۰/۳٥
۲٤	تخصص حسابرس	تایید	(۱، ۰/۹٥ ، ۰/۳)	۰/۸۹
۲٥	خوش بینی مدیر عامل	تایید	(۱، ۰/۸۹ ، ۰/۳)	۰/۷۷
۲٦	خودشیفتگی مدیر عامل	تایید	(۱، ۰/۸۷ ، ۰/۳)	۰/۷٦
۲۷	کوته بینی مدیر عامل	تایید	(۱، ۰/۹۲ ، ۰/۳)	۰/۸۲

منبع: یافته‌های پژوهش

با در نظر گرفتن معیار ۰/٦ براي رد شدن شاخص‌ها توسط خبرگان، تعداد ٦ شاخص رد شده و الباقی شاخص‌ها (۲۱) شاخص مورد تأیید خبرگان پژوهش قرار گرفت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

ج- نتايج حاصل از اجراي روش معادلات ساختاری:

پس از تبیین شاخص ها، مؤلفه‌ها و ابعاد مدل که بخش کیفی پژوهش را تشکیل داده، در بخش کمی‌پژوهش پرسشنامه محقق ساخته‌اي بين خبرگان توزيع شد. معيار انتخاب خبرگان پژوهش در اين مرحله به شرح زير می‌باشد:

- محققین و اعضاء هیات علمی‌شاغل در پژوهشکده بانکداری و دانشگاه‌ها با سابقه فعالیت های پژوهشی مرتبط با این حوزه
- مدیران عامل بانک‌ها با مدرک تحصیلی در رشته های حسابداری و مالی
- مدیران شاغل در حوزه معاونت نظارت بانک مرکزی
- معاونین مالی و مدیران مالی بانک‌ها با حداقل ۵ سال سابقه فعالیت در بانک‌ها
- مدیران و سرپرستان موسسات حسابرسی با حداقل ۵ سال سابقه حسابرسی در بانک‌ها

با توجه به مشخص بودن جامعه آماری و اطلاعات تماس آن‌ها از نمونه‌گیری استفاده نشده و لینک پرسشنامه پس از تماس با آن‌ها و هماهنگی، از طریق پیامک، واتس اپ یا پست الکترونیک برای تمامی‌اعضای جامعه ارسال گردید. در نهایت تعداد ۲۰۱ پرسشنامه کامل از پرسشنامه‌های ارسال شده جمع‌آوری گردید. در جدول شماره ۸ مشخصات خبرگان پژوهش که به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند ارائه شده است:

جدول ۸: آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه

	شرح	تعداد		شرح	تعداد
جنسیت	مرد	۱۷۸	تجربه	کمتر از ۱۰ سال	۸۰
	زن	۲۳		بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۶۸
سن	کمتر از ۳۰ سال	۱۸		بین ۱۵ تا ۲۰ سال	۳۴
	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۷۷		بیش از ۲۰ سال	۱۹
	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۶۱	شغل	اعضای هیات علمی و مدرس	۱۵
	بیش از ۵۰ سال	۴۵		مدیر عامل بانک‌ها	۱۴
مدرک تحصیلی	کارشناسی ارشد	۱۷۳		مدیران شاغل در بانک مرکزی	۳۲
				معاون مالی یا مدیر مالی	۹۱
	دکتری	۲۸		مدیر یا سرپرست موسسه حسابرسی	۴۹

منبع: یافته‌های پژوهش

جهت بررسی روایی سازه نتایج توزیع پرسشنامه در نرم‌افزار پی ال اس ابتدا پایایی و روایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت، برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) استفاده شده است. آلفاي كرونباخ معياري كلاسيک براي ارزيابی پايداري درونی بوده و به طور معمول، مقدار بالاتر از ۰/۷ اين معيار نشانگر پايايی قابل قبول است. پايايی تركيبی (CR) با توجه به همبستگی شاخص‌هاي آن با يكديگر محاسبه گرديده و مقدار بالاتر از ۰/۷ نشانگر پايايی تركيبی قابل قبول و نشان از پايداري درونی مناسب براي مدل‌هاي اندازه‌گيري دارد.

برای سنجش روایی از روایی همگرا (AVE) و روایی واگرا استفاده شده است. روایی همگرا (AVE) بیانگر میانگین واریانس به اشتراك گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌هاي

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

خود می‌باشد، فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار AVE را برای سنجش روایی همگرا معرفی نموده و مقدار بالاتر از ۰/۵ را قابل قبول دانسته‌اند. روایی واگرا معیاري است که میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه با رابطه آن سازه با سایر سازه‌ها را نشان می‌دهد. چنانچه روایی واگرا برقرار باشد، یک سازه با شاخص‌هاي خود تعامل بیشتري دارد تا با سازه‌هاي دیگر. براي بررسی این معیار از ماتریسی استفاده می‌شود که قطر اصلی آن رابطه سازه با شاخص‌هایش و سایر داریه‌ها ارتباط میان سازه‌ها را نشان می‌دهد. انتظار می‌رود که مقدار قطر اصلی براي هر سازه از سایر درایه‌هاي مرتبط با آن سازه بیشتر باشد.

جدول ۹: مقادیر مربوط به پایایی و روایی شاخص‌های پژوهش

شاخص‌ها	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR>0.7)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
استقلال اعضاء هیات مدیره	۰/۷۰۹	۰/۸۷۳	۰/۷۷۴
اندازه بانک	۰/۷۳۱	۰/۸۸۲	۰/۷۸۸
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۷۲۷	۰/۸۷۵	۰/۷۷۹
اهرم مالی	۰/۷۰۲	۰/۸۶۹	۰/۷۶۹
تخصص حسابرس	۰/۷۱۹	۰/۸۷۵	۰/۷۷۸
تخصص مالی اعضاء هیئت مدیره	۰/۷۰۶	۰/۸۷۲	۰/۷۷۳
تعداد کارکنان	۰/۷۱۳	۰/۸۶۴	۰/۷۶۰
جنسیت اعضاء هیئت مدیره	۰/۷۳۲	۰/۸۴۳	۰/۷۲۹
خودشیفتگی مدیر عامل	۰/۷۲۶	۰/۸۷۹	۰/۷۸۴
خوش بینی مدیر عامل	۰/۸۴۳	۰/۹۲۷	۰/۸۶۵
دوره تصدی حسابرس	۰/۸۸۳	۰/۹۴۵	۰/۸۹۵
دوره تصدی مدیر عامل	۰/۷۷۶	۰/۸۹۵	۰/۸۱۱
رشد دارایی ها	۰/۷۵۸	۰/۷۹۳	۰/۶۵۸
سوء رفتار مالی	۰/۷۳۱	۰/۸۸۲	۰/۷۸۸
سود(زیان) انباشته	۰/۷۸۲	۰/۸۶۱	۰/۷۵۷
سودآوری	۰/۷۶۸	۰/۸۵۵	۰/۷۴۷
مالکیت دولتی	۰/۷۲۵	۰/۷۳۷	۰/۵۹۰
مالکیت نهادی	۰/۷۱۹	۰/۸۶۱	۰/۷۵۷
نسبت ارزش بازاری به دفتری	۰/۷۷۵	۰/۸۹۶	۰/۸۱۲
وام های غیرجاری	۰/۷۲۱	۰/۸۷۷	۰/۷۸۲
کفایت سرمایه	۰/۷۴۰	۰/۸۸۴	۰/۷۹۲
کوته بینی مدیر عامل	۰/۸۲۷	۰/۹۲۱	۰/۸۵۳

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

با توجه به مقادیر مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی که بزرگتر از ۰/۷۰ می-باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مدل پژوهش از پایایی قابل قبولی برخوردار است. همچنین مقدار شاخص AVE برای تمام شاخص‌ها بیشتر از ۰/۵۰ می‌باشد، بنابراین مدل پژوهش از روایی همگرا نیز برخوردار می‌باشد. برای بررسی روایی واگرا از ماتریس فورنل-لارکر استفاده شده است و مقدار قطر اصلی براي هر سازه از ساير درايه‌هاي مرتبط با آن سازه بیشتر باشد، بنابراین روایی واگرا نیز وجود دارد.

در خصوص ضريب مسير شاخص‌هاي مدل و آماره تی مدل نیز جداول ذیل ارائه شده است:

جدول ۱۰: ضريب مسير شاخص‌هاي مدل و آماره تی

سوال	ضریب مسیر	آماره تی	نتیجه آزمون
اندازه بانک	۰/۳۲۷	۲/۹۹۷	تایید
تعداد کارکنان بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۰۶۶	۰/۸۸۳	رد
اهرم مالی بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۵۱	۴/۶۰۹	تایید
کفایت سرمایه بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۴۵	۳/۷۷۴	تایید
سود (زیان) انباشته بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۲۲۷	۱/۸۲۹	رد
نسبت ارزش بازاری به دفتری بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۸۲	۹/۴۵۶	تایید
سودآوری بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۱۹۰	۱/۷۷۳	رد
وام های غیرجاری بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۷۴	۶/۵۵۸	تایید
رشد دارایی ها بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۱۱	۲/۴۱۹	تایید
مالکیت نهادی بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۲۹	۳/۰۸۵	تایید
مالکیت دولتی بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۱۷۸	۱/۵۰۱	رد
استقلال اعضاء هیات مدیره بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۶۲	۵/۸۱۴	تایید
دوره تصدی مدیر عامل بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۱۱۹	۱/۳۶۴	رد
جنسیت اعضاء هیئت مدیره بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۵۴	۴/۷۷۵	تایید
تخصص مالی اعضاء هیئت مدیره بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد	۰/۳۰۸	۲/۱۶۶	تایید
اندازه موسسه حسابرسی بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۷۷	۷/۳۰۹	تایید
دوره تصدی حسابرس بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۱۲	۲/۵۷۰	تایید
تخصص حسابرس بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۴۰	۳/۶۱۸	تایید
خوش بینی مدیر عامل بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۵۹	۵/۲۴۹	تایید
خودشیفتگی مدیر عامل بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۱۰۶	۰/۹۷۰	رد
کوته بینی مدیر عامل بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟	۰/۳۴۸	۴/۳۱۳	تایید

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به ضرائب معناداری مربوط به ضرایب مسیر مندرج در جداول فوق، تمامی شاخص‌ها دارای ضریب معناداری بزرگتر از ۱/۹۶ بوده و در خصوص شاخص‌ها نیز ضرائب معناداری دارای چنین وضعیتی می‌باشد، لذا مدل پژوهش دارایی روایی سازه می‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

مدل نهایی پژوهش نیز که با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری استخراج گردیده است به شرح نمودار شماره ۴ می‌باشد:

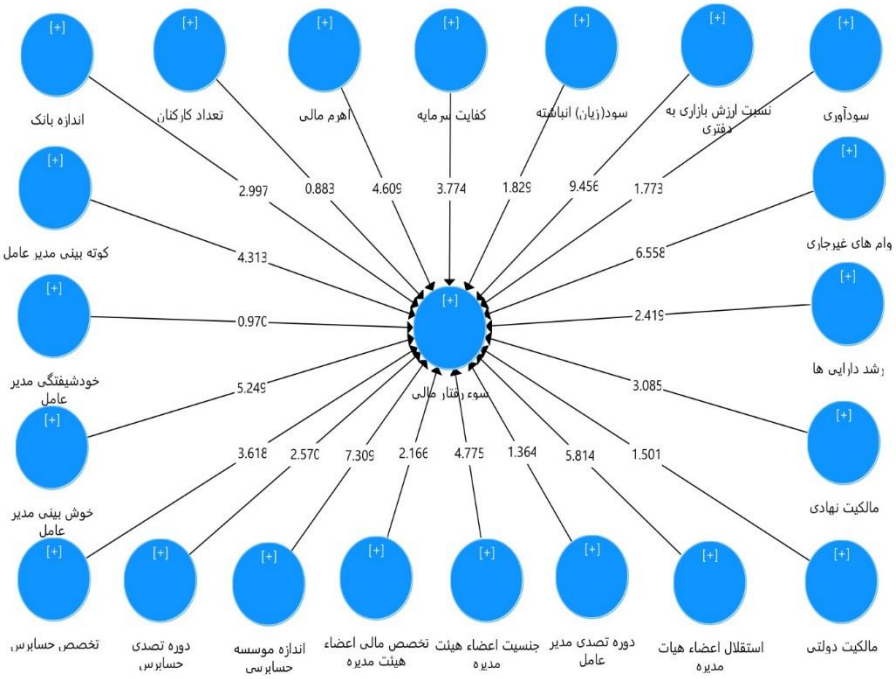

نمودار ۴: مدل سوء رفتار مالی بانک‌ها

٤- بحث و نتیجه گیری

در سال‌های اخیر، مسئله سوءرفتار مالی در بانک‌ها به یکی از دغدغه‌های مهم حوزه بانکداری و نظارت مالی تبدیل شده است؛ زیرا کارکرد اثربخش نظام مالی در گرو تداوم اعتماد سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان به سلامت نهادی بانک‌ها و یکپارچگی بازارهای مالی است و هر عاملی که این اعتماد را تضعیف کند، می‌تواند پیامدهایی فراتر از یک تخلف موردی بر جای گذارد (آلتونباس[1] و همکاران، ۲۰۱۸). افزون بر این، سوءرفتار مالی در بانک‌ها تنها یک انحراف عملیاتی یا گزارشگری محدود نیست، بلکه می‌تواند به تضعیف بنیان مالی بانک، کاهش اعتبار نهادی، افزایش ریسک ادراک‌شده، افت ارزش سهام و افزایش هزینه سرمایه منجر شود؛ به‌ویژه در بانک‌های بزرگ که دامنه اثرگذاری آن‌ها به سطح ثبات نظام بانکی و حتی سرریزهای برون‌مرزی نیز گسترش می‌یابد (عاریف[2] و همکاران، ۲۰۲۳). از

1 Altunbas
2 Arif

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

این منظر، سوءرفتار مالی باید نه به‌عنوان یک رویداد منفرد، بلکه به‌مثابه پدیده‌ای چندوجهی در نظر گرفته شود که از تعامل عوامل مالی، ساختارهای حاکمیتی، سازوکارهای کنترلی و ویژگی‌های رفتاری مدیران پدید می‌آید. با توجه به اینکه در ادبیات داخلی و خارجی، پژوهش‌های محدودی به‌صورت متمرکز به شناسایی و صورت‌بندی شاخص‌های تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها پرداخته‌اند و مدل جامع و اعتبارسنجی‌شده‌ای در این زمینه کمتر مشاهده می‌شود، پژوهش حاضر کوشید این خلأ را با رویکردی ترکیبی و مرحله‌مند پوشش دهد. در مرحله نخست، با بهره‌گیری از رویکرد فراترکیب و بررسی ۷۳ مقاله منتخب، مجموعه‌ای از شاخص‌های مرتبط با سوءرفتار مالی بانک‌ها شناسایی و پس از ادغام موارد همپوشان، ۲۷ شاخص اولیه استخراج شد. در مرحله دوم، با استفاده از مصاحبه با صاحب‌نظران و اجرای دلفی فازی، این مجموعه پالایش شد و ۲۱ شاخص به اجماع خبرگان رسید. در مرحله سوم نیز داده‌های گردآوری‌شده از طریق ۲۰۱ پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار پی‌ال‌اس مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت برازش مناسب مدل نهایی تأیید شد.

نتایج این مرحله نشان داد که از میان ۲۱ شاخص بررسی‌شده، ۱۵ شاخص شامل اندازه بانک، اهرم مالی، کفایت سرمایه، نسبت ارزش بازاری به دفتری، وام‌های غیرجاری، رشد دارایی‌ها، مالکیت نهادی، استقلال اعضای هیئت‌مدیره، جنسیت اعضای هیئت‌مدیره، تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره، اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، تخصص حسابرس، خوش‌بینی مدیرعامل و کوته‌بینی مدیرعامل، شاخص‌های نهایی مدل تعیین سوءرفتار مالی بانک را تشکیل می‌دهند. در مقابل، ۶ شاخص شامل تعداد کارکنان، سودآوری، سود یا زیان انباشته، مالکیت دولتی، دوره تصدی مدیرعامل و خودشیفتگی مدیرعامل در مدل نهایی مورد تأیید قرار نگرفتند. این یافته نشان می‌دهد که سوءرفتار مالی در بانک‌ها بیش از آنکه صرفاً تابع متغیرهای عمومی عملکردی باشد، با مجموعه‌ای از شاخص‌های مالی، نظارتی، حاکمیتی و رفتاری پیوند دارد و همین امر ضرورت نگاه چندسطحی به این پدیده را تقویت می‌کند. به بیان دیگر، مدل نهایی پژوهش حاضر مؤید آن است که برای تبیین و سنجش سوءرفتار مالی بانک‌ها، باید همزمان به وضعیت مالی بانک، کیفیت سازوکارهای راهبری و کنترل، و نیز ویژگی‌های شناختی و رفتاری مدیران توجه شود. از منظر نظری، یافته‌های پژوهش حاضر با جهت‌گیری جدیدی که در مقدمه و مبانی نظری مورد تأکید قرار گرفت همخوان است؛ بدین معنا که سوءرفتار مالی را نمی‌توان صرفاً به تخلفات آشکار یا دستکاری‌های محدود در گزارشگری فروکاست، بلکه باید آن را در بستر ریسک نهادی، ضعف کنترل، فرصت‌طلبی مدیریتی و سوگیری‌های رفتاری تحلیل کرد. معنادار شدن متغیرهایی مانند خوش‌بینی و کوته‌بینی مدیرعامل در کنار شاخص‌هایی نظیر اهرم مالی، وام‌های غیرجاری، استقلال و تخصص هیئت‌مدیره و ویژگی‌های حسابرس، نشان می‌دهد که سوءرفتار مالی برآیند یک سازوکار تک‌عاملی نیست؛ بلکه از برهم‌کنش فشارهای مالی، کیفیت نظارت و الگوهای تصمیم‌گیری مدیران شکل می‌گیرد. این نتیجه، ظرفیت تبیینی مدل را تقویت می‌کند و آن را از سطح یک فهرست توصیفی از متغیرها فراتر می‌برد. یافته‌های پژوهش همچنین از حیث کاربردی حائز اهمیت است؛ زیرا مدل ارائه‌شده می‌تواند مبنایی برای پایش زودهنگام نشانه‌های سوءرفتار مالی در بانک‌ها فراهم آورد. به بیان دقیق‌تر، این مدل می‌تواند به‌عنوان یک ابزار هشداردهنده در کنار سایر سازوکارهای نظارتی مورد استفاده قرار گیرد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

و نهادهای ناظر را در شناسایی بانک‌های در معرض ریسک، اولویت‌بندی بازرسی‌ها و طراحی مداخلات کنترلی یاری دهد. از این حیث، نوآوری پژوهش حاضر تنها در استخراج مجموعه‌ای از شاخص‌ها نیست، بلکه در تبدیل آن‌ها به یک چارچوب اعتبارسنجی‌شده برای سنجش و ارزیابی مستمر نهفته است. چنین چارچوبی، به‌ویژه در محیطی که اطلاعات رسمی گاه با تأخیر یا عدم شفافیت همراه است، می‌تواند برای ارزیابی سلامت رفتاری بانک‌ها بسیار سودمند باشد.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر، به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌شود که از مدل ارائه‌شده در این پژوهش برای ارتقای نظارت مالی و رفتاری بر بانک‌ها بهره گیرد و بانک‌ها را ملزم کند تا بر اساس صورت‌های مالی شش‌ماهه، میزان سوءرفتار مالی خود را با استفاده از شاخص‌های مدل محاسبه و گزارش کنند. افشای دوره‌ای این اطلاعات می‌تواند امکان نظارت کوتاه‌مدت، مقایسه‌پذیری بیشتر و مداخله به‌موقع را برای نهاد ناظر فراهم سازد. همچنین به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی پیشنهاد می‌شود که در فرآیند ارزیابی سهام بانک‌ها، تنها به شاخص‌های سودآوری و بازده اکتفا نکنند، بلکه متغیرهای مؤثر بر سوءرفتار مالی، به‌ویژه شاخص‌های مرتبط با کیفیت حاکمیت شرکتی، وضعیت دارایی‌ها و ویژگی‌های رفتاری مدیران را نیز در تحلیل‌های خود لحاظ نمایند. این موضوع می‌تواند به تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر و کاهش خطای ارزیابی کمک کند. در سطح درون‌سازمانی نیز به اعضای هیئت‌مدیره بانک‌ها توصیه می‌شود که برای سنجش و کنترل آثار سوءرفتار مالی، از تیم‌هایی متشکل از متخصصان مالی، بانکی، حسابرسی و مدیریت ریسک استفاده کنند و این ارزیابی را به‌صورت مستمر و در دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت انجام دهند. استقرار چنین سازوکاری می‌تواند به مدیریت ارشد در شناسایی نقاط آسیب‌پذیر، کاهش احتمال انحراف و تقویت انضباط سازمانی کمک کند. افزون بر آن، تقویت آموزش و پژوهش در بانک‌ها باید به‌عنوان بخشی از راهبرد پیشگیرانه مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا کاهش سوءرفتار مالی صرفاً با کنترل بیرونی محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند ارتقای فرهنگ حرفه‌ای، حساسیت اخلاقی، سواد نظارتی و توان تحلیل ریسک در سطوح مختلف سازمان است. بانک‌ها باید با توجه به شرایط متغیر بازار و نیازهای جدید مشتریان، از رهگذر آموزش هدفمند، یادگیری سازمانی و بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی، توان خود را برای پیشگیری، شناسایی و مهار رفتارهای انحرافی ارتقا دهند.

در مجموع، می‌توان گفت پژوهش حاضر با ارائه و اعتبارسنجی یک مدل شاخص‌محور برای تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها، گامی در جهت منسجم‌سازی ادبیات این حوزه و فراهم کردن مبنایی کاربردی برای سنجش این پدیده برداشته است. اهمیت این دستاورد در آن است که سوءرفتار مالی را از سطح یک مفهوم کلی و پراکنده، به سطح یک سازه قابل سنجش و قابل پایش ارتقا می‌دهد. بر این اساس، مدل نهایی پژوهش می‌تواند هم در توسعه مطالعات آتی و هم در تصمیم‌سازی‌های نظارتی و مدیریتی مورد استفاده قرار گیرد و زمینه را برای حرکت به سوی نظام بانکی شفاف‌تر، پاسخگوتر و مقاوم‌تر در برابر انحرافات مالی فراهم سازد.

باتوجه به اینکه در تحقیق‌های خارجی و داخلی انجام شده در خصوص موضوع تحقیق، تاکنون مدلی برای سوء رفتار مالی بانک ارایه نشده است، امکان مقایسه نتایج با تحقیق‌های مشابه وجود ندارد و موضوع تحقیق دارای نوآوری بوده، با این حال نتایج تحقیق حاضر را می‌توان با پژوهش‌های زیر که عمدتا عوامل موثر بر سلامت، ثبات و سوء رفتار مالی بانک

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

را مورد بررسی قرار داده‌اند مقایسه نمود، از این‌رو نتایج تحقیق حاضر با تحقیق ها انجام شده توسط نتایج فوق با نتایج سایر تحقیقات، می‌توان دریافت که این نتایج با یافته های خواجوی و ابراهیمی (۱۳۹۷)، تورنتون و همکاران (۲۰۲۵)، دآوینو و تسلیکا (۲۰۲۴)، کارتا و همکاران (۲۰۲۴)، آرنابولدیا و همکاران (۲۰۲۱)، ژانگ و همکاران (۲۰۱۷)، حمیدی حامی و همکاران (۱۴۰۰) علیخانی دهقی و همکاران (۱۳۹۹)، رئیسی نافچی و دستگیر (۱۳۹۸)، صفی خانی و همکاران (۱۴۰۲) همخوانی دارد.

به محققین حوزه‌های مالی و بانکی به منظور انجام تحقیق‌های آتی پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- بررسی مدل سوء رفتارهای مالی در سایر صنایع و شرکت‌ها
- بررسی آثار سوء رفتار مالی بانک‌ها بر متغیرهای حسابداری و بازار سرمایه از جمله تاثیر آن بر بازده مالکانه، بازده سهام، شفافیت و کیفیت اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی
- بررسی و شناسایی عوامل موثر بر ثبات و سوء رفتار مالی بانک ها با توجه به رهنمود-های جدید کمیته بال
- تبیین مدلی برای سوء رفتار مالی بانک‌ها براساس طبقه‌بندی شاخص‌ها به ابعاد و مولفه‌ها
- بررسی و پژوهش در خصوص شعب خارجی بانک‌ها با توجه به قوانین و مقررات کشور مقابل می‌تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد. همچنین توجه ویژه به تعهدات اعتبار اسنادی ریالی و ارزی نیز مورد تاکید می‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

منابع

۱. بادآور نهندی، یونس، و فرنود احمدی، مینا. (۱٤۰۲). بررسی ارتباط خطی و غیرخطی بین خودشیفتگی مدیرعامل و فعالیت اجتماعی شرکت با توجه به نقش تعدیلی مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی. *پژوهش های مالی و رفتاری در حسابداری*، ۳(۱)، ۱۷-۳٦.

۲. بزرگ اصل، موسی، بهشور، اسحاق، و احمدی پاک، فرشته (۱٤۰۰). خودشیفتگی مدیرعامل و ریسک تقلب در گزارشگری مالی با تاکید بر نقش حسابرسان و کمیته حسابرسی. *دانش حسابداری*، ۱۲(۲)، ۱۳۹-۱۵۵.

۳. بناء، محمدرضا، پورحیدری، امید و خدامی پور، احمد.(۱٤۰۲) بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر سوء رفتارهای مالی در بانک‌های ایران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۲(۴۵)، ۱۰۱-۷۳

٤. بیابانی، غلامحسین، کونانی، محمدرضا و ذوقی، بهنام. (۱۳۹۹). پیشگیری وضعی و کیفری از سوء رفتار پلیس علیه متهمان. *نشریه مطالعات بین المللی پلیس*، ۱۱ (٤۱)، ۱۵۲-۱۸۱

۵. حجازی، رضوان، و مختاری نژاد، حمیدرضا، (۱۳۹۷)، رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه، *دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۲(۳)، ۳۳-٦۰

٦. حمیدی، حامی، فلاح، فغانی ماکرانی، خسرو و ذبیحی، علی. (۱٤۰۰). قدرت و بیش اطمینانی مدیران و گزارشگری متقلبانه. *اقتصاد مالي (اقتصاد مالي و توسعه)*، ۱۵(٤۵)، ۳۷۹-٤۰۰

۷. خواجوی، شکراله، و ابراهیمی، مهرداد (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی در تقلب در صورتهای مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ٦(۲)، ۷۱-۸٤

۸. رئیسی نافچی، امیرسالار، و دستگیر، محسن، (۱۳۹۸)، ارائه الگوئی برای شناسایی عوامل خطر موثر بر وقوع تقلب در بانک‌ها (مطالعه‌موردی، بانک رسالت استان-اصفهان).*فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۱(٤۱)،۲۳-٤۵.

۹. رحیمی، زکیه، و هراتی، جواد. (۱۳۹۹). تأثیر نرخ سود بین بانکی و شیب منحنی عایدی بر سودآوری بانکهای منتخب در ایران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۹ (۳۲)، ۲۱۱-۲٤۳

۱۰. صفی خانی، فرهاد، یعقوب نژاد، احمد، جهانشاد، آزیتا. (۱٤۰۲). پیشایندهای گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های دارای بحران مالی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲(٤۵)، ۲۵۱-۲۷۰.

۱۱. عزیزی، آریا، (۱۳۹۸)، نقش مدیران بانک ها در پیش گیری از فساد اقتصادی در نظام بانکداری اسلامی، *همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی*، اصفهان، ایران

۱۲. علیخانی دهقی، حسین، ایزدی نیا، ناصر و کیانی، غلامحسین. (۱۳۹۹). نقش مدیریت سود در شناسایی صورت‌های مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه مدیریت دارایی و تامین مالی*، ۸ (٤)، ۲۱-۳۸.

۱۳. وکیلی فرد، حمیدرضا، طالب نیا، قدرت الله و صباغیان طوسی، امید، (۱۳۹۵)، اثرکیفیت حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابرسی مشروط، *پژوهش هاي حسابداري مالي و حسابرسي*، ۸ (۲۹)، ۹۷-۱۲٤

۱٤. هاشمی بهرمان، مریم و پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۹). تأثیر سبک های تصمیم گیری بر گزارشگری مالی متقلبانه (رویکرد مدل یابی ساختاری). *پژوهش هاي حسابداري مالي وحسابرسي*، ۱۲(٤۷)، ۹۱-۷۷

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

15. Altunbas, Y., Thornton, J., & Uymaz, Y. (2018). CEO tenure and corporate misconduct: Evidence from US banks. *Finance Research Letters*, 26(September), 1-8.
16. Arnaboldi, F., Casu, B., Gallo, A., Kalotychou, E., & Sarkisyan, A. (2021). Gender diversity and bank misconduct. *Journal of Corporate Finance*. Elsevier 71(C).1-30
17. Carretta, A., Fattobene, L., Graziano, E.A. et al. Errors and misbehaviors in banking and finance: a systematic literature review and an integrative framework, *Journal of Management and Governance*, 24-12, 1(14)
18. Casu B. & Gallo A. & Kalotychou E. & Sarkisyan A., (2023). "Bank Misconduct, Board Diversity and CEO Turnover," *Review of Corporate Finance*, vol. 3(1-2), 149-174
19. D'Avino C, Tselika M, (2024), Unveiling the drivers of banks' misconduct: Sanctions, signals, and the extent of unethical behavior, *International Review of Financial Analysis* 96 (1), 1-15
20. Faugère, Ch & STUL, O. (2021). Harmful Events and Misconducts in Financial Organizations: Human Biases and Root Causes. *Research in International Business and Finance*. 56 (1).
21. Ghosh,S, (2020). "Financial misconduct in Indian banks: what matters and what doesn't?," *Journal of Risk Finance, Emerald Group Publishing Limited*, vol. 21(2), pages 57-76, May.
22. Hegde S, Zhou T, (2018), Predicting Accounting Misconduct: The Role of Firm-Level Investor Optimism*, Journal of Business Ethics*, 149 (1), 1-28
23. Hope OK, Wang J, (2018), Management Deception, Big-Bath Accounting, and Information Asymmetry: Evidence from Linguistic Analysis, Accounting, *Organizations and Society*, 70 (1), 33-51
24. Kassem, R. (2016). "Detecting financial reporting fraud: The impact and implications of management motivations for external auditors – Evidence from the Egyptian context". A Doctoral Thesis. Loughborough University. Institutional Repository.
25. Nguyen, DD, Hagendorff, J & Eshraghi, A (2016), 'Can Bank Boards Prevent Misconduct?', *review of Finance*, 20(1), 1-36.
26. Park S ,(2018). The effect of investor sentiment on the means of earnings management. *Investment Management and Financial Innovations*, 15(1), 10-17
27. Thornton J, Altunbaş Y, Uymaz Y, (2025), Financial misconduct and bank risk-taking: Evidence from US banks, *Journal of Banking & Finance*, 177(1), 1-23

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]